





بر ما وارد شدند در حالی که فاطمه زهراء ع در کنار دیگ نشسته بود و من عده پاک می کردم. حضرت فرمودند: گوش فراده، زیرا آنچه می گوییم از سوی پروردگار می گوییم: مردی که به همسرش در خانه کمک و مساعدت نماید، به تعداد موهای بدنش برای او عبادت سالی را می نویسند که روزها را روزه داشته و شب ها را شب زنده داری نموده است.^۰

کارهای فاطمه ع در خانه علی ع
روزی امیرالمؤمنین علی ع به یکی از اصحاب خود فرمود: می خواهی جریانی از زندگانی خودم با فاطمه ع را ببرایت تعریف کنم؟

فاطمه ع آنقدر در خانه من با مشک آب حمل کرد که اثر آن در سینه اش پیدا شد. آنقدر به وسیله آسیاب دستی گندم آرد کرد که دستش تاول زد. آنقدر خانه را جاروب کرد که بر لباس او گرد و خاک نشست. آنقدر آتش زیر دیگ روشن کرد که لباسش دوده ای و سیاه شد. او زیاد کار کرد و بسیار هم آسیب دید.^۱

هرگز از شوهرت چیزی نخواه
حضرت علی ع با غایی داشتند که آن را فروخته و همه پول ها را بین فقرا و تهیستان مدینه تقسیم کرد. وقتی که به منزل بازگشت، فاطمه ع از ایشان پرسید: یا علی! پس غذای امروز ما چه شد؟
حضرت علی ع برای تهیه غذا از منزل خارج شد، اما فاطمه ع با خود اندیشید که چرا چنین گفت، چون از پدرش نیده بود که هرگز از شوهرت چیزی نخواه، شاید نتواند آن را تهیه کند.
آنگاه فرمود: من از خدا آمرزش می طلبم و دیگر این رفتار را تکرار نخواهم کرد.^۲

روایت آیت الله سبحانی از جزئیات پیوند حضرت علی ع و حضرت فاطمه ع
در نخستین روز از آخرین ماه سال دوم هجری قمری، رویدادی مبارک در مدینه منوره اتفاق افتاد؛ با حکم الهی، حضرت فاطمه ع، با امام علی ع، عقد ازدواج بست و به این ترتیب، مقدس‌ترین خانواده همه تاریخ، پدید آمد. به مناسبت این روز فرخنده، فرازهایی از کتاب ارزشمند فروغ ابدیت، اثر آیت الله جعفر سبحانی را که به شرح این واقعه مبارک اختصاص دارد تقدیم شما خوانندگان ارجمند می‌کنیم و در ادامه نیز همسرداری حضرت زهرا ع را مرور می‌کنیم.

«گروهی از طرف داماد و عروس دعوت شدند و علی ع به افتخار همسرگرامی خود، ولیمه‌ای ترتیب داد. پس از صرف غذا، رسول گرامی ع، فاطمه ع را به حضور خود طلبید. فاطمه ع با شرم و حیا، شرفیاب پیامبر ص شد. عرق حجب و خجالت از پیشانیش می‌ریخت. وقتی چشم او به پیامبر ص افتاد، پایش لغزید و نزدیک بود به زمین بخورد. پیامبر ص دست دخترگرامی خود را گرفت و در حقش دعا کرد. آن گاه چهره زهرا ع را باز کرد و دست عروس را در دست داماد نهاد... پیامبر ص در آن شب، صمیمیت و اخلاصی نشان داد که هنوز در جامعه کنونی ما، با آن همه رشد و تکامل، این مقدار صفا و صمیمیت وجود ندارد. از آن جمله، دست دختر خود را گرفت و در دست علی گذاشت. فضایل علی را برای دخترش بازگو کرد، از شخصیت دختر خود و این که اگر علی آفریده نشده بود، هم شانی برای او نبود، یادآور شد و بعداً کارهای خانه و وظایف زندگی را تقسیم کرد؛ کارهای درون خانه را بر عهده فاطمه گذاشت و وظایف خارج از خانه را بردوش علی نهاد. در این موقع، بنا به گفته بعضی، به زنان مهاجر و انصار دستور داد که دور ناقه دخترش را بگیرند و به خانه شوهر برسانند. به این ترتیب جریان ازدواج بافضلیت ترین زنان جهان پایان پذیرفت.^۳

فاطمه ع اسوه و الگوی همسرداری

ادب و ایثار حضرت زهرا ع

ادب و ایثار حضرت فاطمه ع به حدی بود که گرسنگی خود و فرزندانش را از علی ع پنهان می کرد و از شوهرش تقاضای نمی کرد تا شاید نتواند آن را بر آورده کند. در این رابطه به موارد زیر توجه فرمایید:



۱- روزی حضرت زهرا ع در حالی که آثار ضعف و گرسنگی از چهره او نمایان بود، به حضور پدرش رسید رسول خدا ص وقتی این حالت را مشاهده کرد، دستهایش را به سوی آسمان بلند نمود و گفت: خدایا! گرسنگی فرزندم را به سیری تبدیل نما و وضع او را سامان بده.^۴

۲- روزی رسول خدا ص از دخترش پرسید: فاطمه جان! چرا رنگ رخسار پریده است؟ چرا رنگ فرزندانم حسن و حسین دگرگون شده است؟ عرض کرد: پدرجان! سه روز است که غذا نخورده ایم و فرزندانم حسن و حسین از شدت گرسنگی بی تاب شده اند و هم اکنون مانند جوجه های پرکنده از گرسنگی به خواب رفته اند.^۵

۳- روزی حضرت علی ع از آن حضرت تقاضای غذایی کرد، آن حضرت گفت: دو روز است که خودم چیزی نخورده ام و هر چه در خانه بود برای شما و فرزندانم آورده ام. وقتی که امام علی ع به او می گوید: چرا مرا آگاه نساختی تا برای شما غذا تهیه کنم؟ می گوید: از خدای خود شرم کردم که چیزی از تو بخواهم که انجام آن برایت دشوار باشد.^۶

کم کردن حضرت علی ع در کارهای منزل

در بحوار از جامعه الاخبار نقل شده که: امام علی ع فرمودند: رسول خدا ص

شأن نزول سوره «هل اتي»
امام حسن ع و امام حسین ع بیمار شدند. رسول خدا ص به همراه جمعی از اصحاب به عیادت آنها آمد و به علی ع گفتند: خوب است برای شفای فرزندانت نذر کنی. علی و فاطمه و فضه خادمه نذر کردند که اگر آن دواز بیماری شفا یافتد سه روز، روزه بگیرند و شکر نعمت سلامتی آن دو عزیز را به جا آورند. طولی نکشید که حال آن دو به بهبودی رفت و شفا یافتند. در این هنگام در خانه امیر المؤمنان حضرت علی ع چیزی برای خوردن یافت نمی شد، به همین خاطر حضرت علی ع از شمعون خیری یهودی سه ساعت که هر ساعت سه کیلو است جو قرض کرد. فاطمه ع پس از آسیاب کردن جو، یک سوم آن را به اندازه تعداد افراد خانواده، یعنی پنج قرص نان پخت. علی ع پس از پایان نماز به امامت رسول خدا ص به خانه برگشت. اینک سفره غذادر حالی که طعام اول و آخرش نان و نمک است، آماده پذیرایی از بهترین خلق خداست. آنها آماده افطار می شوند، اما هنوز شروع به افطار نکردند که صدای کوبه در بلند می شود. آری صدای فقیری است که تقاضای غذا دارد و می گوید: درود بر شما ای خاندان محمد، من مسکین از مسکینان مسلمین هستم. غذایی به من بدهید، خدای تعالی از غذاهای بهشتی به شما بخوراند. حضرت علی ع صدا را که شنید، خطاب به دختر رسول خدا ص چنین فرمود: فاطمه جان! ای بزرگوار اهل یقین! ای دختر بهترین خلق روی زمین! آیا به بیچاره ای که دست نیاز به خانه ات آورده، نظری داری؟ به خداشکوه می کند و حاجت می طلبد. با گرسنگی و غم به سوی ما آمده است و تمام امور در دست خداست و همه خوبی ها ازا و نشأت می گیرد. بهشت دلپذیر به شما و عده می دهد، همان بهشتی که بربخیل حرام است. حضرت زهرا ع



هیچ امری قدمی برخلاف میل باطنی من بمنداشت و هرگاه به رخسارش نظاره می‌کرم تمام غصه‌ها یم بر طرف می‌شد و دردهایم را فراموش می‌کرم. در جای دیگر می‌فرمایند: به خدا قسم! هرگز کاری نکرم که فاطمه علیه السلام خشمگین شود، او نیز هیچ گاه مرا خشمگین نکرد.^{۱۰}

در جواب همسرش فرمود: به آن گرسنه خوراک می‌دهم و به سیرشدن او امیدوارم، به راستی که حق برای نیکان است و به شفاعت خود، آنها را به بهشت خواهم برد. آن پنج تن، شخص مسکین را بر خود مقدم داشته و سهم خود را به فقیر دادند و آن شب را با آب افطار کردند.

شاد شدن فاطمه علیه السلام به خاطر تقسیم کارها

در حدیثی از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: میان حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام درباره تقسیم کارها بحث شد. برای حل این مشکل خدمت رسول خدا علیه السلام رفتند و پیغمبر علیه السلام کارهای منزل را اینگونه تقسیم کرد: کارهای مربوط به داخل خانه به عهده فاطمه علیه السلام و کارهای خارج از خانه به عهده علی علیه السلام باشد.

فاطمه علیه السلام به قدری از این تقسیم خوشحال شد که گفت: جز خدا کسی نمی‌داند تا چه اندازه از این تقسیم خوشحال شدم که رسول خدا علیه السلام، کار مردان را (کاری را که موجب تماس با مردان است) از عهده من بردشت.^{۱۱}

پشتیبانی از شوهر در کارهای خیر

روزی علی علیه السلام وارد خانه شد، دید حسن و حسین علیهم السلام نزد فاطمه علیه السلام گریه می‌کنند. فاطمه زهرا علیه السلام گفت: اینها گرسنه اند و یک روز است که چیزی خنورده اند! علی علیه السلام پرسید: پس این دیگ بر سرآتش چیست؟ گفت: دردیگ، تنها آب است که برای دل خوشی فرزندانم بر سرآتش نهاده ام! علی علیه السلام از این ماجرا دلتنگ شد. عبایش را به بازار برد و به مبلغ شش درهم فروخت و با آن غذایی تهیه کرد. وقتی که به خانه باز می‌گشت فقیری به حضرت گفت: آیا کسی در راه خدا وام می‌دهد تا چند برابر گردد؟ علی علیه السلام همه آن خوارکی را به او داد، چون به خانه رسید، فاطمه علیه السلام پرسید: یا علی! چیزی برای رفع گرسنگی بچه‌ها بدهست آوردی؟ گفت: آری، ولی همه آنها را به بینوایی دادم. فاطمه علیه السلام گفت: چه خوب کردی، تو همیشه توفیق کار خیر می‌یابی!^{۱۲}

پی نوشت ها:

۱- فروع ابدیت: صص ۵۵۵ و ۵۵۶

۲- بحار، ج ۴۳، ص ۷۷

۳- احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۲۰ - ۳۲۱ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۲

۴- بحار، ج ۴۳، ص ۷۷

۵- فاطمة الزهراء من المهد الى الحد، ص ۲۲۶.

۶- محجة البضاء، ج ۴، ص ۲۰۸

۷- نهج الحياة، ص ۱۹ / به نقل از: بحار الانوار ج ۴۱ ص ۴۶ و امالی صدوqi،

حدیث ۱۰، ص ۳۷۹

۸- تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۹۷ / مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۴۰۴ / تفسیر کشف

الاسرار، ج ۱۰، ص ۳۲۰

۹- حق تعالی در قیامت آن قدر به تو خواهد داد که راضی شوی.

۱۰- متنهی الامال، ج ۱، ص ۲۹۴

۱۱- بحار، ج ۴۳، ص ۱۲۳ / کشف الغمہ، ج ۱، ص ۳۶۳،

۱۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱

۱۳- کشف الاسرار، ج ۱.

در این وقت جبرئیل نازل شد و سوره هل اتی را بر پیغمبر علیه السلام فرود آورد و به او

گفت: خداوند تو را در داشتن چنین اهل بیتی تهنیت می‌کوید.^{۱۳}

خداؤند فاطمه علیه السلام را راضی خواهد کرد

ثعلبی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت کرده است: روزی حضرت رسول علیه السلام به خانه فاطمه علیه السلام رفتند و فاطمه را در حالی مشاهده کرد که با دستهای خود آسیاب را می‌گردانید و در حین کار فرزند خود را نیز شیر می‌داد. رسول اکرم علیه السلام وقتی که این حالت را از دختر دید متأثر شد و اشک از دیده های مبارکش جاری شد و فرمود: ای دختر گرامی! تلخی های دنیا را به خاطر حلاوت های آخرت تحمل کن. پس فاطمه علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله! حمد می‌کنم خدا را برابر نعمت های او و شکر می‌کنم خدا را برابر کرامت های او. در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیه: ولسوف یعطیک ربك ففترضی ۹ را از طرف خداوند فرود آورد.^{۱۴}

رضایت کامل علی و فاطمه از همدیگر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: هیچ گاه فاطمه علیه السلام از من نرنجد و او نیز هرگز مرا نرنجدند، او را به هیچ کاری مجبور نکردم، او نیز مرا آزرده نساخت. در

سَلَامٌ

